



Iri Sekai Presents



[Instagram.com/irisekai/](https://www.instagram.com/irisekai/)



t.me/irisekai/



IriSekai91008@gmail.com

من جہ:

Nick

ادینور:

Sg~

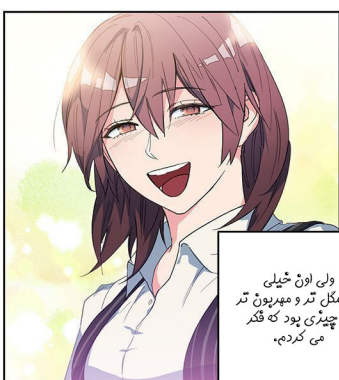
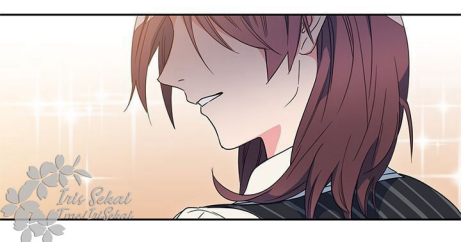
اسم من
دوریس نه.



من په خدمتگارم و
پرای شاهزاده کایت
کار می کنم، سومین
شاهزاده فاراسن.

الان من طبق
دستور شاهزاده تحت
خدمت عجزه پانو ام.

اولش فکر می کردم
عجزه په پیر خرفت سگ
اعصابه که ممکنه منو په
قورباغه تبدیل کنه...



ولی اون خیلی
خوشگل تر و مهربون تر
از چیزی بود که فکر
می کردم.

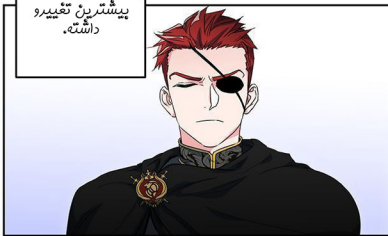
از وقتی اومده
اینجا خیلی چیزا
تغییر کرده.

این قلعه خالی
و غم زده حالا شادتر
بنظر میاد.





ولی، علیاحضرت
تنها کسی هست که
پیشترین تغییرو
داشته.



اون همیشه
یپس بود.

و خیلی
سرسخت.
ولی الان،



فکر کنم

خیلی سرزنده شده.

^^
v



عجوز!!!

جونم؟

MUNCH

MUNCH



چندبار باید بت
بگم هر وقت لشته
می بری جایی بم
بگیا!

صدات خیلی
بلنده. حالا از قلعه
بیرون نرفتم که،

تو بابامی
مگه؟

امن میفمی
تو رو گروگان
گرفتم؟!

هوف،
نمیشه یکم
سرت تو کار
خودت باشه؟



BICKER

©چوون ددی (ترشیحات
ذهن مریض یک شیپرا)

چی...؟!

بعدشم این
کارت تخلف
جنایه می
دونستی؟!

عجوزه بانو
خیلی پی نقصه.



هیچکی مثل اون
نمیتونه در برابر
علیاحضرت قد علم
کنه.

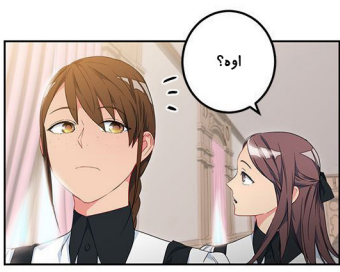
قبلا نمی دونستم اون
می تونه اینهمه احساسات
مختلف از خودش بروز بده.

و... جدیداً به
چیز دیگه کشف کردم
که خیلی جالبه.



بعدی رو
هم تموم کنیم
آنکس؟

زود باش.
روده کوچیکه داره
روده بزرگه رو
میخوره~



اوه؟



GLANCE
LOOK

Iris Sekai
Tmo / Iri Sekai



اون بانو
وازر نیست؟

چیکار داره
می کنه؟

منم
نمی دونم





خداقل
مبارزو کن!!

این گنده گوزیا اثری
نداره. باید خودت تجربه
کنی یاد بگیری نه اینکه
من بت بگم.

ای جانم.

مخصوصا ازونجایی
که تو شاسکولی.

ریدی!!!

SCREECH

دوبارو!
دوبارو انجامش
بدو!! درست
خسابی!!

عالیه.

هعی زندگی.

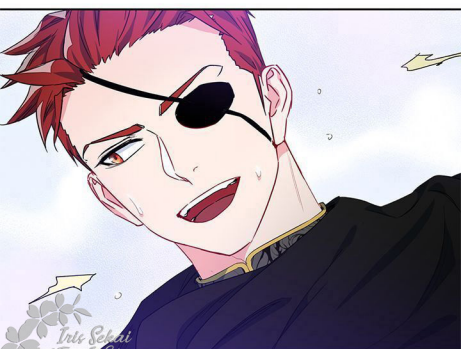
موندم
علیاحضرت مشکلی
نداره ایشون بهش
اینطوری حمله
میکنه؟

بریم سر
کارمون حالا.

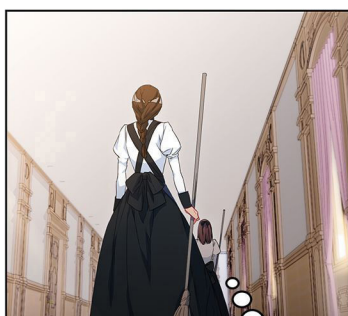
نگرانم نکنه شاهزاده
حوصله آدمی مثل اونو
نداشته باشه.



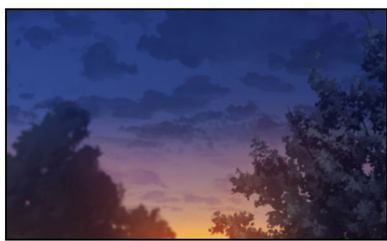
ولی، من فکر
می کنم...



Iris Sekai
Iris Sekai



اون انگاری
خیلی از این وضع
لذت می پره.



BAM



اوه، این
خیلی نامردیه!!

من آرزو کردم
ازین قوی تر بشم
پس چرا کار نمی
کنه؟!

PANT PANT PANT

HUFF

گفتم که. مبارزه
مربوط به تجربه ست
نه مهارت.

نمی تونی با
اتکا به مهارتت
پیری وسط.

تف توش...

ولی انگاری
کتاب بی اثر نبوده
چون حالت خوب
بنظر می رسه.

UHH



دو دقیقه
ببند دهند!



و!!!!!!
چیکار می کنی؟!

SLUMP

دیگه نمی خواد
مبارزه کنی.

فقط آرام
بشین سر جات.

هاه...



اوه...

اوه اوه...

بی قهره

من،

بلند میشم

زیاد طول
نمیکشه.



GRAB



هوم؟



سایه

?!

FLOP



اوه

اووه

عههه

BOOM

انقد فس

فس نکن...

زمین سرده فقط
یه دقیقه میتونی از
بازوی گرم و نرم من
استفاده کنی.

اوه، ولی،
بازم، ینی...



آروم باش و
تماشا کن.



RUSTLE



...



خوشگله...



قبلا...

AHEM

موقع ضیافت سلطنتی،
تو کاری کردی سوپ
بریزه رو سرم آره؟

آره... فک کنم...
ها؟! خب،

و اون موقع که
شمشیر چوبیم موقع
مبارزه با اولین شاهزاده
شکست؟

آره...

و تو اون قسمتو
نوشتی که من تو جلسه
دانشمندا تحقیر بشم آخه
کتاب اشتباهو به دستم
رسونده بودن.

...

اگه شروری که انقد
ازش متنفری رو می کشتی
خیلی راحت تر ازین بود که
خنجر به قلبم بزنی. ولی
اینکارو نکردی.

STARTLED



چی؟! تنفر؟
امکان نداره.

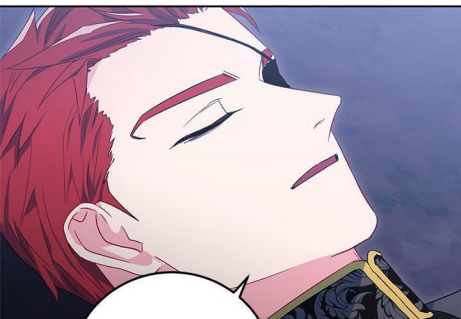
من به همه
کاراکترام
اهمیت میدم!



تو زن
خوبی هستی.

هان؟

تو خوش برخوردی،
مهربونی و مثبت.

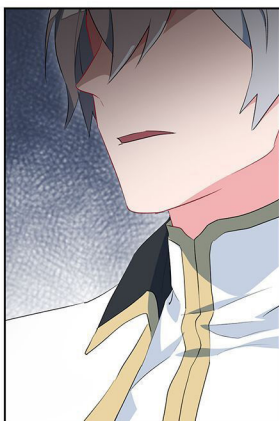


و می خواستم
ازت تشکر کنم که منو
زنده نگه داشتی.

*دستمال پدیییییییتننن









To be continued



Translator: Tony

Editor: Sami

QA/QC: Kay Lee

از شما برای خوندن کارمون
ممنونيم. لطفا **کپی نکنين** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارين.
شما ميتونين با جوين شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنيد و کارهايه
جذاب ديگمون رو هم بخونين.

@IriSekai

